

# مصاحبه با نوشیروان امین،

## عضو اتحادیه میهن پرستان کردستان

بعنوان نیروی سازماندهی رهبری از دست داد. بارزانی کوشید که جنبش را فلاح کند و تعداد کثیری از جنگجویان پیش مرگ همراه وی به ایران رفتند. از آن زمان تا حال اکثریت آنها بازگشته اند، ولی هیچ نیروی از نفوذی به حد نفوذی که حزب دمکرات کردستان داشت برخوردار نیست.

البته، نتیجه این جنگ اخیر تأثیراتی بر جنبش مقاومت در سایر بخش های کردستان نیز داشته است: سردگی، تضعیف روحیه، فقدان رهبری مورد قبول، پراکندگی نیروها. تا آنجا که مسأله ایران مطرح است، روش است که بارزانی اکنون نمی تواند به کرد ها سنتم کند و یا بارزانی را به ساواک تحويل دهد. در ایران، نظیر سایر کشورها، تجدید سازمان مقاومت تئلیف اساسی است. سیاست ما، اتحادیه میهن پرستان کردستان، بازگشت به کشور است.

س- اوضاع کنونی در خود کردستان عراق چگونه است؟ وضع جنبش توده ای کردستان از چه قرار است؟

ج- وضع کردستان شاهد چشمگیری است بر عجز رژیم بورژوائی بورکراتیک در عراق از حل مسأله ملی. ظاهر سازی موعود خود - حکومتی [اتونومی] صرفاً وسیله ای است بمنظور شدید اختناق و ایجاد انشعاب در جنبش کرد. جنگ و سیاست اختناقی تعریب، به مهاجرت از سرزمین و افزایش بیکاری منجر شده است. هدف سیاست شوونیستی تعریب، که برهمه عرصه های اجتماعی تأثیر می گذارد، راندن جمعیت کرد از کوهستانها و اخراج آنهاست. نقشه عراق قرار است تغییر یابد؛ نواحی اداری تازه ای قرار است ایجاد شود (مثلاً تقسیم ایالت شوتند و مخلوط عرب و کرد کرکوک بین چندین ایالت عرب). هدف اینست که پایامه استقرار صنایع بومی و اکتشاف اقتصادی در کردستان منهدم گردد. از بین بردن اسمی کرد دهات و شهرها در نواحی جدید اداری همراه با تعریب صد ها مدرسه کرد پیش می رود. سیاست تجدید اسکان، که سابقاً عمدتاً علیه طبقه کارگر کرد بکار می رفت، اکنون به دهقانان نیز بسط داده می شود. پس از باصطلاح اصلاحات ارضی ۶۰ درصد زمین در نواحی کردستان را دولت مرکزی تصاحب کرد؛ ۴۰ درصد را اختیار دهاقین کرد که از نواحی کوهستانی رانده نشد. اند باقی است.

قریب ۴۰۰۰ کرد اخراج شده اکنون در اراده ها شد. نواحی جبوی و غربی عراق بسر می برند، بدون زمین و یا اشتغال ساز مانده هی جنبش مقاومت در میان این پناهندگان به این نسبت مشکل است.

رژیم عراق مسوول ایجاد فلسطینی دوست خواهد بود. سیاست تجدید اسکان اجباری رژیم با سیاست جایگزین کردن دهقانان مصری اکنون در کردستان بسر می برند. برنامه اینست که دهقانان مصری اکنون در کردستان را به این وظیفه بپرسانند. جماعتی می باشند. مسأله دهقانان نیز راینجا مسأله ای مرکزی است و راه حل آن باید راه حل ریشه ای باشد، بدون اینکه به قشر میانه ای از دهقانان امتیاز دهد. آنچه ما میخواهیم یک انقلاب ارضی است. اتحادیه میهن پرستان کردستان در راه سازماندهی نیروهای انقلاب دمکراتیک می کرد. تکلیف چنین سازمانی گرد هم آوری گرایش های مترقی و وحدت آنها بطریقی می ارز تخت رهبری پیشگام انقلابی کرد است.

این دهقانان عرب یا بصورت کارگران کشاورزی در مؤسسات کشاورزی تعاوی니 دولتی اشتغال دارند و یا در غیر اینصورت زمین به صورت ملک خصوصی به آنها واگذار می شود، که این عقب شده است. ولی قسمت اعظم نهاد نفت و مواد خام عراق در کردستان واقع است. ولی فقط ۷-۱۲ درصد تولید صنعتی عراق در بین سالهای ۱۹۷۰ و ۱۹۷۵ به ناحیه کردستان رسید. پالایشگاه های نفت به ناحیه عرب حمام علی انتقال یافته اند، حتی در حالیکه این انتقال بمعنی ۰-۲ درصد افزایش مخارج ساختن میادین جدید نفتی است. صنایع فلزی به

سؤال - دلایل شکست جنگ اخیر را در چه می بینید؟

جواب - مقاومت کرد ها در جنگ اخیر، نه از لحاظ سیاسی و نیاز لحاظ نظامی، شکسته نشده است. از هم پاشیدگی موقعت، بیش از هر چیز نتیجه فرار بارزانی و رهبری حزب دمکرات کردستان از نواحی جنگ، توافق متعاقب بین رژیم بعضی و شاه ایران، و "انتقال" قسمت اعظمی از زمینه گان [جنپش] مقاومت و خانواده هایشان به ایران بود. این رهبری، یک رهبری شناوری، بر عقب مانده ترین افشار جامعه کردستان، زمینداران، متنگ بود.

بنابراین اگر می توان امروز از شکستی صحبت کرد، این فقط شکست سیاسی رهبری حزب دمکرات کردستان است که بخاطر ساختار عشایریش قادر به هدایت مبارزه ملی و مرتبط ساختن مسأله ملی با مسائل اجتماعی نبود.

در ناحیه کردستان، نظیر سایر کشورهای عقب مانده، مسأله ارضی اهمیت حیاتی دارد. رهبری حزب دمکرات کردستان هیچگونه درکسی از جنپش هفقاتی و هیچ ایمانی به قدرت [جنپش] مقاومت نداشت. هیچگونه برآمده ای برای اصلاحات ارضی جامعی که عمدتاً به نفع دهقانان تهیید است می بود نداشت. بنابراین، این رهبری مساعی خود را در راه کسب پشتیبانی رژیم های خارجی منمرک ساخت. اما شرط لازم برای این پشتیبانی چنین بود که آماده اتحاد با قدرت های ارتجاعی، امپرالیست و شوونیست علیه مبارزه توده های تحت ستدم در ایران، ترکیه، و کشورهای عربی باشد. این طرز برخورد در چونگی هدایت جنگ نیز منعکس بود: جنگ چریکی بکنار گذاشته شد و در زد و خورد های آخرین، تا زمان تسلیم، جنگ منظم موضع غالب شد. این بیش که اتحاد در مبارزه علیه ستم رژیم عراق بدین معنی است که خود حزب دمکرات کردستان باید بمزنده تنها نیروی که اتحاد در عمل را می فهمد و بدآن موجود بیت می بخشد تلقی گردد و بنابراین باید از داخل جنپش مورد انتقاد قرار گیرد، بینشی اشتباه بود. اما اشتباه صرفاً در فقدان انتقاد نبود، بلکه بهمچنین در قصور از ساختن یک حزب پیشگام، یعنی، سازمانده مستقل نیروهای متفرقی جامعه کردستان هم بود. هم پایه های سیاسی عینی برای این امر و هم شرایط لازم ذهنی در میان توده ها وجود داشت.

منظور من از پیشگام، بمعنی لینینستی پیشگام انقلابی است. بعلت عقب ماندگی جامعه کردستان، پرولتاریا از لحاظ کمی ضعیف است؛ با این وصف، از طریق شرکت خود در مبارزه، کارگران کرد خواه هند توانست رهبری ایدئولوژیک جنپش را بعده گیرند و از جمله فعالیین آن باشند. مسأله دهقانان نیز راینجا مسأله ای مرکزی است و راه حل آن باید راه حل ریشه ای باشد، بدون اینکه به قشر میانه ای از دهقانان امتیاز دهد. آنچه ما میخواهیم یک انقلاب ارضی است. اتحادیه میهن پرستان کردستان در راه سازماندهی نیروهای انقلاب دمکراتیک می کرد. تکلیف چنین سازمانی گرد هم آوری گرایش های مترقی و وحدت آنها بطریقی می ارز تخت رهبری پیشگام انقلابی کرد است.

س- اثرات شکست بر کرد هایی که در ایران و سایر دولت ها هستند و بر کرد هایی که بخارج مهاجرت کردند چه بوده است؟

ج- مقاومت سازمانداده کرد ها در عراق بمعنای قطب بسیار قوی جذبه ای برای مقاومت در تمامی ناحیه کردستان بشمار می رفت. کرد ها از سایر نقاط برای شرکت در مبارزه به عراق می آمدند. حزب دمکرات کردستان از نفوذ و اعتبار بسیار برخورد ار بود. با فرار رهبری بارزانی و تغییر مکان آن در ناحیه جنگ، حزب دمکرات کردستان نقش خود را

بصره ، در جنوب ، انتقال یافت ، اگرچه آهن و مس باید از کردستان آورده شود .

اتحادیه های کارگری رسمی ، مرتبط با جبهه ملی مترقبه (گروه حاکم تحت کنترل بعضی ها) ، نمایندگان احزاب رسمی عرب و کرد را در بر میگیرد . معاوضه ، ما این اتحادیه ها را تحریم نمیکنیم ، زیرا علاوه بر مبارزه برای برخی مطالبات اقتصادی ، برخی امکانات بهشت سیاسی درون آنها وجود دارد . مثلاً سمینارهای از اعضا اتحادیه وجود دارد ، ما نمایندگانی به داخل اتحادیه ها میفرستیم که بکوشند اعضاء را به پشتیبانی از مقاومت کرد جلب کنند .

در مورد دانشجویان ، دانشآموzan دبیرستان ها ، معلمین ، وزنان ، جنبش مقاومت سازمان های مخفی مستقل دارد که فقط بشکل غیرقانونی فعالیت میکنند . تعداد هرچه کمتری از محصلین کرد به داشتگاه پذیرفته میشوند . بطور مثال ، داشتگاه سلیمانیه در قلب تاجیکیه کردستان کوششی است برای بازگردان راه برای محصلین عرب بیشتر .

مناصب اداری در مناطق کرد به عرب ها واگذار شده است به کرد ها "اجازه داده میشود" که مشاغل پائینی را پرکنند ، آنها نیز تحت تهدید حکومیت ساختگی که توسط رژیم برقرار شده در دست سه حزب قانونی کرد است که فقط بر روی کاغذ موجود بودند . نقش آنها نقش پلیس سیاسی است . درنتیجه مقاومت کرد ها علیه تعزیز مستقیماً علیه خود دستگاه دولتی متوجه است .

در مورد دهقانان ، وظیفه ماننین خواهد بود که انجمن های دهقانی غیر قانونی سازمان دهیم تا از این طریق انجمن های رسمی را ، بمجرد اینکه زینهای برای ایجاد نواحی آزاد شده فراهم باشد ، از هم بپاشانیم . ولی امروزه جنبشی که توده های کرد را دربرگیرد وجود ندارد . مقاومت هنوز محدود به سازمان های مخفی است . اینکه آیا نشانه های آشکاری از مقاومت پدیدار شود یا نه بستگی به تناقض نیروها خواهد داشت . در حال حاضر ، حتی در مناطق که امکان اعتراض یا تظاهرات وجود دارد ، چنین اقدامی بعمل نخواهد آمد ، زیرا حتی اگر توده ها از چنین فراخوانی به عمل پیریوی کنند ، جنبش هنوز بحد کافی قوی نیست تا بتواند در مقابل خفغان اجتناب ناپذیر بدون تحمل طلفات زیاد مقاومت کند . توده ها هنوز وارد عمل نشده اند . ولی برخی آشکار مقاومت آشکار در نواحی بزرگی رخ داده است . این اعمال از طریق کارهای نظیر شعر خواندن صورت گرفته است . اینگونه بیان مقاومت ، اینگونه بیان استقلال مردم کرد ، اثر آشکاری بجا نمیگذارد . بجز در خود مردم کرد .

س - در چنین شرایطی ، چه چشم اندازی در مقابل خود میبینید ؟

ج - مبارزه مسلحه باید در آن مناطقی که هنوز سیاست تعزیز در آنجا اجرا نشده آغاز بذیر شود . مقاومت در کردستان عراق بحد کافی سازمانده شده است که میتوان گفت مرحله فعالیت تبلیغاتی و برقراری ساختار سازمان داده ای بپایان رسیده است . مرحله آغاز مبارزه مسلحه اکنون باید شروع شود ؛ فقط از این طریق دست آورد های جنبش توده ای آینده میتواند واقعاً تضمین و تحکیم شود . درینجا میخواهیم شرایط لازم پیروزی مبارزه آزاد بیخش کردستان را ، که اتحاد دیه میهن پرستان کردستان در راه آن خواهد کوشید ، برشمارم :

\* وحدت ملی ؛

\* ساختن یک حزب پیشگام ؛

\* مبارزه مشترک اعراب و کرد ها در عراق ؛

\* مبارزه مشترک کلیه کرد ها ؛

\* فعالیت مشترک جنبش مقاومت کردستان با کلیه نیروهای مترقبه و کلیه نیروهایی که در راه انقلاب سوسیالیستی بین المللی میکوشند .

س - ممکن است در مورد وضع گروه های چپ در عراق و کردستان صحبت نکند ؟ چه سازمان های وجود دارند و سیاست آن ها چیست ؟

ج - در مورد احزاب اپوزیسیون بطور کلی و خصوصاً سازمان های انقلابی صحبت خواهیم کرد . کلیه احزابی که به جبهه ملی مترقبه متعلق ندارند "اپوزیسیون" خواهند میشوند . این شامل حزب بعثت غیرقانونی هم میشود . جبهه ملی مترقبی متشکل از حزب بعثت رسمی ، حزب کمونیست ،

و سه حزب کاغذی دست نشانده کرد ( حزب دمکرات کردستان که همان اسم حزب قدیم را بکار میبرد ، حزب انقلابی کردستان ، و جنبش کرد های مترقب ) .

قبول لفظی خود حاکمیت کرد ، که در مارس ۱۹۷۰ تحت فشار و قایع و مبارزه مردم ما پذیرفته شده بود ، چیزی جز سریوشی برای مخفی نگاهداشت شوونیزم عربان ضد کرد رژیم عراق نبود . قانون خود حاکمیت کاذب اوت ۱۹۷۴ ، که فقط تعزیز را بیشتر تشدید میکند ، بعنوان راه حل نمونه ای برای مسئله ملی ارائه شد ، و احزاب دست نشانده امروزه سعی دارند در چنین چارچوبی عمل کنند . ولی اینان ، جزو جاسوسی نقش ندارند . وقتی که رژیم خود حاکمیت ظاهري اعطای کرد ، این احزاب با رهبری حزب دمکرات کردستان تماس برقرار کردند و سعی کردند آن را بداخل جبهه ملی مترقب جلب کنند . در آن زمان ، بازاریان جواب ردداد .

حزب غیرقانونی بعثت ، فرق کیفی با جناح راست حزب که زمام رژیم را در اختیار دارد ، ندارد . ولی حزب اپوزیسیون است که سعی میکند پشتیبانی کلیه اقتدار اجتماعی را جلب کند . بطور مثال ، امروزه امکان دارد که ذراگان های این حزب مقلاتی که با منافع مقاومت کرد منطبق است بچاپ رساند . اگرچه ما هیچ گونه توهیم درباره این حزب نداریم ، ولی اتحادیه میهن پرستان کردستان در اتحادیه ای متشکل از احزابی که علاوه بر اتحادیه میهن پرستان کردستان و حزب غیرقانونی بعثت ، شامل جنبش سوسیالیست عرب ، رهبری جناح سابق قیاد مرکزی حزب کمونیست ، ویرخی گروه های ناصربستی هم میشود . شرکت میکند . شعار مرکزی این اتحادیه احزاب "دمکراسی برای عراق" ، خود حاکمیت برای کردستان" است . برخلاف گذشته ، کرد ها در سایر احزاب ( بجز اتحادیه میهن پرستان کرد ) امروزه دیگر خود را بخشنی از دنیای عرب بحساب نمیآورند . این اتحادیه احزاب طرحی برای یک رژیم مرکزی نیز دارد که در آن کرد ها از نمایندگی متناسب [ بانسبت جمعیت کرد ] برخوردار خواهند بود .

واما در مورد گروه هایی که قبلاً ذکر کرد :

\* حزب مارکسیست-لنینیست در دوره ۱۹۶۹-۷۰ در قیاد مرکزی حزب کمونیست بود . نقاط مرکزی پشتیبانی آن در جنوب عراق و بغداد بود و از برخی مواضع در اتحادیه های کارگری برخورد اریود . نظریه سایر گروه های کوچک انقلابی در عراق ، فقط نیروی اندکی در کردستان تحت نفوذ خود داشت و بضرورت ساختن حزب کمونیست سرتاسری عراق اعتقداد داشت . این گروه روزنامه ای ندارد . در اعلامیه های خود سرنگونی رژیم بعثی را ترویج میکند ، ماهیت این رژیم را فاشیست میدارد ، و تखیر قدرت توطیط طبقه کارگر را تبلیغ میکند .

\* در مورد قیاد مرکزی سابق حزب کمونیست ، رهبری سازمان شکست طلبی و امتناع از مبارزه را ترویج میکند . در درون اخیر ، قسمت مهمی از رهبری کشور را ترک کرده است ، از جمله چهار تن از اعضا کمیته مرکزی در کردستان که با بازاریان مانندند . حزب بعثت مذاکراتی با رهبری قیاد مرکزی آغاز کرده است و پیشنهاد کرد ه است که یا آنها بطور قانونی در داخل حزب کمونیست فعالیت کنند ( با روز نامه رسمی خود شان ) و یا سیاست امتناع از هر گونه مبارزه علیه رژیم را در پیشگیرند . رهبری موافق کرده است که پیشنهاد دوم را مورد بحث قرار دهد . با این وصف حوزه های مخفی قیاد مرکزی در شهرها به موجودیت خود ادعا میکند ، و اتحادیه القاعده که بخشنی از اعضا سازمان را معرف است ، انشاع کرده و روزنامه خود را منتشر میکند که بهمین القاعده موسوم است .

\* جنبش سوسیالیست عرب که قبلاً ناصربست بود ، اکنون خود را مارکسیست میخواند و هم مارکسیست های راستین و هم ناسیونالیست ها را در بر میگیرد . اسم روزنامه آن ندای کارگری است . برنامه ارضی دارد و از حق خود مختاری کرد ها ، بشکل خود حاکمیت ، جانبداری میکند .

هیچ یک از این گروه ها ادعای نمایندگی مطلق نمیکند و اکنون برخی مساعی بمنظور ساختن یک حزب واحد انقلابی در عراق جریان دارد . اینها از یک حزب کمونیست مستقل کردستان جانبداری نمیکنند . در خود کردستان سه حزب کاغذی که قبلاً دانه ای اشاره کردم وجود دارند و بخش های عرب و کرد حزب کمونیست ، که هرد وی آنها در دوره اخیر طلفات سنگینی متحمل شده اند . اینان هم در رژیم مرکزی و هم در ساختار کاذب خود حاکمیت شرکت میکنند . هدف کلیه

جامعه عراق که زمینه را برای انتقال به ساختن سوسیالیزم آمد کند.  
اتحادیه میهن پرستان کردستان اکنون دوارگان مطبوعاتی دارد.  
یکی بعری است و اخیر (الشاره امام دارد، به کلیه اتهاماتی که  
مقاومت کردستان را شوونیست میخوانند پاسخ میگوید و عمدتاً برای افکار  
عمومی عرب و جهان اطلاعات فراهم میکند. تا حال سه شماره منتشر  
شده است. ارگان کردی راه نو (ریاضی نو) نام دارد.

س- چه کمک پناهندگان در اروپا میتوانند به مبارزه آزادی بخشن  
کردستان برسانند؟ روابط شما با گروه های چپ اروپا چیست؟

ج- سازمان های مختلف کردستان در خارج ماهیت مستقل خود را  
حفظ میکنند. بطور مثال، اتحادیه میهن پرستان کردستان، سازمانی  
است فقط برای کرد های عراق. ولی سازمان های داشجوئی که در آن  
تمام گروه ها شرکت دارند، به جنبش در اروپا کمک میکنند. اکنون دو  
الجمعن کرد در اروپا وجود دارد. یکی از آنها کسانی را در بر میگیرد  
که از بازاری حایث میکنند؛ دیگری هدف مشترکی را با ما در زمینه  
تجدد سازمان مقاومت در کردستان دنبال میکند. جهت گیری ما  
برای کرد ها در اروپا درجهت بازگشت آنها به مناطق جنگ است؛ این  
مربوط به داشجویان نیز میشود پس از خاتمه تحصیلاتشان.  
در مردم ارتباط با گروه های چپ در اروپا، ما پیشنهاد شخصی  
در نظر نداریم. مسئله مهم اینست که گروه های چپ اروپا از مبارزه  
مردم کرد، بر منای وظیفه انتزاعیونالیستی خود پشتیبانی کنند. ما  
تاکنون تحلیل از سازمان های مختلف چپ و چپ انقلابی اروپا نکردیم -  
ایم. موضع مارا میتوان چنین خلاصه کرد: متحدین اصلی ما انقلاب  
عرب، جنبش آزادی بخش ملی جهان سوم، و نیروهای سوسیالیزم، قدرت  
کارگری، و انقلاب در سراسر دنیاست. ما در راه روابط محکم هستیم.  
برای فعالیت مشترک بعنوان تحکیم روابط میان دنیا و اروپا میکشیم.  
بنابراین ما از هرگونه شکل همبستگی از جانب نیروهای مترقب، از کمک  
ساده در جنگ گرفته تا بهبود شرایط زندگی پناهندگان در اروپا،  
تا شرکت در مبارزه سلطانیه ما، استقبال میکنیم.

گروه های دیگر سازماندهی مبارزه سلطانیه مشترکی است، زیرا که ما  
مبارزه سلطانیه را شکلی از مبارزه سیاسی میدانیم و راه حل مسالمت  
آمیز را غیر ممکن میدانیم. حزب دمکرات کردستان قدیم، که رهبری  
آن اکنون در تهران بسر میبرد، سعی دارد نقاط جدید پشتیبانی  
برای خود ایجاد کند. اکنون گروه های جدیدی وجود دارند که قبل از  
به حزب دمکرات کردستان تعلق داشتند و اکنون خیانت حزب دمکرات  
کردستان را مورد بحث قرار می دهند. اینان در انتقاد سیاسی خود  
با بحد اتحادیه میهن پرستان کردستان پیش نمیروند، زیرا که اینان  
ریشه شکست رهبری را تا عجز ذاتی این رهبری در حل مسأله ملی  
دنیال نمیکنند. این گروه ها روزنامه با رهبری مرکزی ای ندارند.

اتحادیه میهن پرستان کردستان معرف سعی اولیه ای در راه  
تجدد سازمان و وحدت نیروهای پراکنده مقاومت کردستان است. اکنون  
افرادی با جهت گیری های سیاسی گوناگون به اتحادیه میهن پرستان  
کردستان تعلق دارند: مارکسیست لینینیست ها (از جمله خود من)،  
سوسیالیست ها، دمکرات ها، و میهن پرستان. اتحادیه میهن پرستان  
کردستان نمیتواند جایگزین یک حزب کمونیست باشد و یا تبدیل به یک  
حزب کمونیست شود. امروزه مسأله اینست که نیروهای انقلابی کردستان  
همراه با تمام نیروهای مترقب و چپ ناسیونالیستی در عراق گرد هم آیند  
تا تکالیف انقلاب دمکراتیک ملی را تحقق بخشنند. تکالیف که در مقابل  
مردم عراق، از جمله هردو لیست های عرب و کرد، و معجذبین اقلیت ها  
قرار دارد. این تکالیف عبارتد از:

- ۱- آزادی نهائی عراق از بیوگ اقتصادی و سیاسی استعمار نو.
  - ۲- پایان به رژیم خوینیں دیکتاتوری.
  - ۳- ایجاد یک رژیم ائتلافی دمکراتیک ملی که قادر به تضمین  
د مکراسی برای تمام مردم باشد.
  - ۴- برسمیت شناختن حق مردم کردستان به خود حاکمیت واقعی  
در یک جمهوری مستقل عراق.
  - ۵- اجرای اصلاحات ارضی اساسی به نفع توده های دهقان.
- صنعتی کردن کشور، استفاده از منابع نفت و معدن برای توسعه

## بیانیه انجمن دانشجویان کرد در اروپا بخش بریتانیا ۱۹۷۶/۳/۲۸

علیه کرد ها، انهاد آموزش ملی کرد ها، تعریب وطن شان کردستان از  
طريق تغییر واقعیت ملی بوسیله علیات پراکنده ساختن و مهاجرت  
توده ای کرد ها به نواحی عرب عراق. برنامه های موجود که بند ریج در  
حال اجرا هستند شامل انتقال یک میلیون کرد از کردستان و احلال ملی  
آنها در مناطق عرب است.

لیکن، این مهر نژاد پرستی عرب رژیم فاشیستی عراق هرگز نخواهد  
توانست خط موهوم و کاذب مبارزه ملی مابین اعراب بطور کلی و کرد ها  
ترسیم کند، زیرا اعراب مترقب خود از این رژیم ستم میبرند وظیفه ماهیت  
فاشیستی و شوونیستی آن مبارزه میکنند، از جمله برخی از عراقی های  
مترقب که بظاهر در رژیم فعلی شرکت دارند. در عین حال ارتقا یون  
کرد، از رضینداران گرفته تا عمال سیاسی، آشکارا خود را به این رژیم  
نژد پکت میکنند و فعالانه در حملات آن علیه دمکراسی و مردم زحمتکش  
شرکت می جوینند.

این ادامه ستم ملی و این جنگ خاموش انهاد ام کردستان عراق  
به نفع زحمتکشان عرب عراق نیست. فاشیزم عراق از فروکش مبارزه سلطانیه  
کرد ها استفاده کرد، تا به امپریالیزم آمریکا و ارتقا ایران خود را  
نژد یک کند و به ارتقا ایران امیازاتی نظیر حق الحاق عربستان،  
مداخله نظامی در خلیج عربی، و برخی امیازات دیگر درباره استفاده  
از اراضی و راه های آبی، اعطای کرد. است.

در کردستان ایران: حوادث عراق موجی از خشم و نفرت علیه شاه

رفقای گرامی، وطن ما کردستان از مرحله تاریخی جدیدی می گذرد.  
صفوف مبارزین آزادی ملی ملت کرد وسعت می یابد، و توده های وسیع  
مردم ما در روستاها و شهرها بنا می خیزند تا فعالانه در مبارزه علیه  
دشمنان اصلی شان شرکت جویند: علیه امپریالیزم جهانی، ارتقا یون  
عرب، فارس و ترک که بر اجزاء مختلف کردستان حاکمند، و فئودالیزم  
کرد.

- ۱ -

در کردستان عراق: رواییه مختلف انتقامی و مقاومت، طیرفت  
ضریبات عمیقی که بر جنبش آزادی بخش ما وارد آمده، و بدنهای از هم-  
پاشیدن دفاع مسلح از حقوق مردم کرد در اثر تسلیم به خواست  
استعمار نو و شوونیزم که نتیجه توافق الجزیره بود، در حال رشد  
است.

رژیم بورژوازی در عراق ماهیت عیقاً شوونیستی خود را نشان داده،  
و بوحش ترین شکلی تنفس ملی خود را علیه هر آنچه کردی است ای راز  
می دارد. این حزب فاشیستی و ناسیونالیستی حاکم، حزب خرد بورژوازی  
زی عرب، با استفاده از این فرصت دست به اجرای سیاستی زده که  
محکوم بشکست است. یعنی سیاست زهرآگین کرد افکار توده های عرب